

Analysis and Explanation of Sash Values in Traditional Iranian Architecture

Vahideh Mirfakhraey *

PhD Candidate of Restoration of Cultural and Historical Objects, University of Art, Tehran, Iran.

Samad Samanian

Professor of Faculty of Applied Arts, University of Art, Tehran, Iran.

Abstract

The focused investigation of the heritage values of sash in position of the most prominent element of traditional architecture is one of the topics that has received less attention. The purposeful recognition of the value in the protection of works such as sash, which has been exposed to the decay of its existential characteristics due to the transformation of the contemporary human lifestyle, opens the way to evaluate interventions in order to avoid distorting its messages. So, this article has been written with the aim of recognizing and explaining the tangible and intangible values in order to preserve and transfer them to future generations. Therefore, in response to these questions that what is the necessity of calculating sash values? and what are the values that can justify the sash? In a qualitative research in a descriptive and analytical way, information collected by searching sources and organizing them shows the value of cultural heritage in two groups: tangible and intangible. Based on that, relying on the authors' inferences and adapting the results to the case study, identifying tangible values: historical, technical, economic, functional, scientific and educational, uniqueness, antiquity, and intangible values: aesthetic, social, cultural, religious, emotional and symbolic took place in the sash. Gathering the sash values is an opportunity to collect part of the information of Iran's architectural history, neglecting which will lead to the loss of these values.

Keywords: Tangible values, Intangible values, Sash, Value Prioritization, Conservation, Cultural Heritage.

Corresponding Author: v.mf1390@gmail.com


How to Cite: Mirfakhraey, V; Samanian, S. (2022). Analysis and Explanation of Sash Windows (Orosi) Values in Traditional Iranian Architecture, *Semiannual Journal of Indigenous Knowledge Iran*,9(18), 199-232.



دو فصلنامه علمی دانش‌های بومی ایران
دوره نهم، شماره ۱۸، پاییز و زمستان ۱۴۰۱، ۲۳۲-۱۹۹
qjik.atu.ac.ir
DOI: doi.org/10.22054/qjik.2023.72074.1352

تبیین و تحلیل ارزش‌های ارسی در معماری سنتی ایران^۱

دانشجوی دکتری رشته مرمت اشیاء فرهنگی و تاریخی،
دانشگاه هنر، تهران، ایران.

وحیده میرفخرایی * 

استاد دانشکده هنرهای کاربردی، دانشگاه هنر، تهران، ایران.

صمد سامانیان 

چکیده

بررسی متمرکز ارزش‌های میراثی ارسی در جایگاه یکی از برجسته‌ترین عناصر معماری سنتی، از جمله موضوعاتی است که کمتر مورد توجه قرار گرفته است. شناخت هدفمند ارزش در حفاظت از آثاری نظیر ارسی که با دگرگونی شیوه زیست انسان معاصر، در معرض اضمحلال شاخصه‌های وجودی خود بوده، راهگشای سنجش مداخلات به‌منظور پرهیز از تحریف پیام‌های اثر و برقراری تعامل با مخاطب است. در این راستا، نوشتار حاضر با هدف بازشناسی و تبیین ارزش‌های ملموس و ناملموس ارسی برای نگاه‌داشت و انتقال آن‌ها به آیندگان صورت گرفته است. از این رو، در پاسخ به اینکه ضرورت احصاء ارزش‌های ارسی چیست؟ و ارزش‌های متعددی که حفاظت از ارسی را توجیه‌پذیر می‌کنند، کدام‌اند؟، در پژوهشی کیفی به شیوه توصیفی تحلیلی، با جستجوی منابع کتابخانه‌ای به گردآوری اطلاعات پرداخته و با سامان‌دهی داده‌ها، ارزش‌های فرهنگی در دو گروه کلی ملموس و ناملموس طبقه‌بندی شد. از پی آن، با تکیه بر تجارب و استنباط نویسندگان و بسط و انطباق نتایج حاصله با نمونه موردی، شناسایی ارزش‌های ملموس: تاریخی، فنی، اقتصادی، کارکردی، علمی آموزشی، منحصربه‌فرد بودن، قدمت و ارزش‌های ناملموس: زیباشناختی، اجتماعی، فرهنگی، اعتقادی، احساسی و نمادین در ارسی صورت پذیرفت. تجمیع ارزش‌های ارسی، مجالی است برای گردآوری بخشی از اطلاعات تاریخ معماری ایران که غفلت از آن، منجر به از دست رفتن این ارزش‌ها خواهد شد.

واژه‌های کلیدی: ارزش‌های ملموس، ارزش‌های ناملموس، ارسی، اولویت‌گذاری ارزشی، حفاظت، میراث فرهنگی

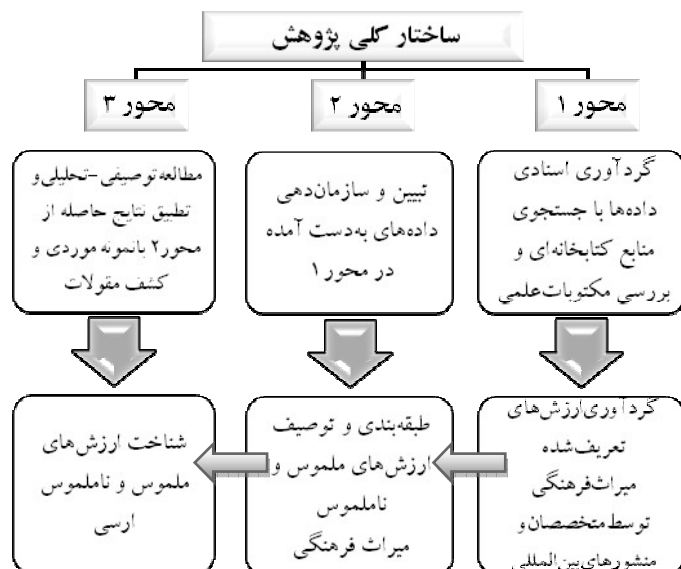
^۱ - مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری «کارکردهای نمادین اشیاء تاریخی و فرهنگی در فرایند حفاظت و مرمت، نمونه موردی: ارسی با تزیینات گره‌چینی» رشته مرمت اشیاء فرهنگی و تاریخی در دانشگاه هنر است.
* نویسنده مسئول. v.mf1390@gmail.com

مقدمه

اغلب عناصر معماری سنتی ایران، دارای چندین وجه عملکردی بوده‌اند. ارسی نیز در کنار ایفای کارکردهای فیزیکی و ملموس خود، مبین وجوهی ناملموس است. چنان‌که هر اثر تاریخی از رفتار محیطی خاص برآمده و ارزش‌های زمان خود را به مخاطب منتقل می‌کند؛ در شکل‌گیری ارسی نیز، آرای اندیشمندان و فرهنگ جامع بی‌تأثیر نبوده؛ از این رو، می‌توان ارزش‌های ناملموس بسیاری را در بطن آن شناسایی نمود که رهنمون کارشناسان حفاظت جهت سنجش و کنترل مداخلات باشد. به دلیل تغییراتی که در لایه‌های مختلف اجتماع رخ داده، حفظ نشانه‌های باقی از وقایع قدیم معماری ضروری می‌نماید؛ چرا که اگر اکنون به شناخت و تجمیع آن‌ها پرداخته نشود، دیگر نمی‌توان از بخش عمده‌ای از این اطلاعات در آینده‌ای نه‌چندان دور سراغ گرفت.

تاکنون منابع موجود مرتبط با ارسی، به شکل جامع به تجمیع ارزش‌های اثر نپرداخته‌اند و پژوهش عمویان و بلخاری قهی (۱۳۹۸) از اندک نمونه‌های در دسترس است که با نگاهی فراگیرتر نسبت به سایر آثار، بررسی سه وجه کارکردی (خصوصی‌سازی فضا، کنترل هوا، آسایش حرارتی)، فرمی (زیبایی‌شناسی نقوش) و نمادین (محتوای مفهوم‌دار در نقش‌مایه‌های انسانی، حیوانی، گیاهی، هندسی و ادعیه) را در ارسی‌های مورد مطالعه خود داشته است اما این اثر نیز می‌توانست با کندوکاو بیشتر، زیرمجموعه‌های دیگری را در خود داشته باشد.

بر این اساس، مقاله حاضر با هدف بازشناسی و تحلیل ارزش‌های ملموس و ناملموس ارسی جهت پرهیز از ایجاد معانی جدید حین اقدامات حفاظتی و مرمتی و دستیابی به پاسخ این پرسش‌ها که ضرورت احصاء ارزش‌های ارسی چیست؟ و ارزش‌های متعددی که حفاظت از ارسی را توجیه‌پذیر می‌کنند، کدام‌اند؟ در بستر پژوهشی کیفی، به شیوه توصیفی و استنباطی با تحلیل اسنادی صورت پذیرفته است. در راه رسیدن به این اهداف، سه مرحله اصلی پشت سر گذاشته شده است که نمودار شماره ۱ ساختار کلی پژوهش را در این مسیر در اختیار قرار می‌دهد.



نمودار ۱- ساختار کلی پژوهش (نگارندگان، ۱۴۰۱)

پیشینه پژوهش

جستجو در مطالعات مرتبط با شناخت ارزش‌های ملموس و ناملموس ارسی در معماری سنتی ایران، حاکی از این امر است که اغلب پژوهش‌ها بر بیان ویژگی‌های ساختاری، عملکردی و تأثیر ارسی در تنظیم شرایط محیطی تمرکز داشته‌اند. همچون مقاله «ارسی در معماری سنتی ایران» که از دید کلی به ذکر کارکردهایی از ارسی مانند تأمین نور، تهویه مطبوع، کاهش تابش نور به داخل و تنظیم حرارت محیط، دفع حشرات توسط شیشه‌های رنگی، خواص صوتی گره‌چینی‌ها و دید به بیرون با حفظ حریمیت پرداخته است (شفیع‌پور، ۱۳۸۵).

اما برخی پژوهش‌ها بر یکی از ابعاد ارسی تمرکز داشته‌اند. حق‌شناس و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهش خود به دستاوردهایی چون بازتابش و انتقال میزان نور متفاوت، کاهش عبور نور مرئی و طول‌موج‌های مخرب با تحلیل مقادیر جذب از شیشه‌های رنگی گوناگون ارسی در قیاس با شیشه‌های بی‌رنگ رسیده‌اند. عطروش و فیاض (۱۳۹۴) به بررسی تغییر

جریان سیال و حجم هوای جابجاشونده در فضا با میزان متفاوت گشودگی ارسی و تأثیر آن بر تأمین آسایش حرارتی و تهویه مطلوب پرداخته‌اند. حسینی (۲۰۱۰) نیز بر کارایی متفاوت نقوش هندسی مختلف در ارسی برای ایجاد تعادل میان آسایش بصری ساکنین و بهره‌گیری مناسب از نور طبیعی توجه داشته و گرجی‌مهلبنانی و مفرد بوشهری (۱۳۹۵) با بررسی طیف متفاوت نور و انرژی حرارتی در گذر از شیشه‌های رنگی مختلف به این نتیجه رسیده‌اند که عبور طیف نور از شیشه‌های ساده و زرد در قیاس با نمونه‌های آبی، قرمز و سبز بیشتر است.

گروهی از پژوهشگران پس از مرور ویژگی‌های کلی ارسی، خصوصیات ارسی‌های یک منطقه را از حیث نحوه اجرا، طرح و نقش و رنگ، تزیینات یا تناسبات مورد مطالعه قرار داده‌اند. مانند زارعی (۱۳۹۲) که پس از بیان عملکرد جداسازی فضاها، هدایت نور مناسب، امکانات بصری و خواص شیشه‌های رنگی در دفع حشرات؛ روند شکل‌گیری و گسترش ارسی‌سازی شهر سنندج و تفاوت در ابعاد، طرح و نقش ارسی خانه مردم عادی و اعیان و شیوه ساخت آنها را بررسی کرده است. خامه‌چیان و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله تحلیل هندسی و تناسبات پنجره‌های ارسی، با بررسی هفت ارسی خانه‌های کاشان، پیروی از نظم هندسی بر اساس پیمون و انطباق نسبت قسمت‌های مختلف ارسی با نسبت‌های زرین معماری سنتی را بیان نموده و مدهوشیان نژاد و عسکری‌الموتی (۱۳۹۵) بررسی طرح و نقش، رنگ شیشه‌ها و تکنیک‌های ساخت ارسی‌های قاجاری تبریز و مشاهده کاهش تدریجی ظرافت نقش و شیشه‌های رنگی این منطقه را در کار خود دارند. بلالی اسکویی و همکاران (۱۳۹۹) با واکاوی ارسی خانه‌های قاجار اردبیل به سیر نزولی کیفیت ساخت و تزیینات در این نمونه‌ها رسیده و وحدت طلب و نیکمرام (۱۳۹۶) به حضور چشمگیر رنگ قرمز در تاج^۱ ارسی‌های قاجاری تبریز نسبت به سایر رنگ‌ها اشاره داشته‌اند.

۱- به قسمت بالا و پرنقش ارسی که با شیشه‌های رنگین مزین شده، تاج ارسی می‌گویند (مدهوشیان نژاد و عسکری‌الموتی، ۱۳۹۵: ۸۰).

ساعدی (۱۳۹۶) نیز به معرفی تکنیک آینه‌کاری در ارسی که موجب زیبایی و پرکار جلوه دادن ارسی می‌شود، پرداخته و امرایی (۱۳۸۳) برخی ویژگی‌های کارکردی ارسی، نحوه ساخت و تبیین طرح‌ها و مفاهیم فنی ارسی‌سازی را در کتاب خود بیان داشته است. هم‌چنین، برخی نوشتارها از دیدگاه عرفان اسلامی و ابعاد روان‌شناختی، نقش و رنگ را در ارسی تحلیل کرده‌اند. مانند مقاله «تطبیق مبانی تجلی وحدت و نمودهای رنگین بازشوهای سنتی» که با بررسی عبور نور از شیشه‌های رنگین و نقوش هندسی ارسی، حس وحدت در کثرت را استنتاج نموده (پور محمد و همکاران، ۱۳۹۹) و مقاله «حکمت رنگ‌های به‌کاررفته در ارسی بناهای سنتی ایران» که تعادل تأثیر روانی رنگ‌های شیشه‌های ارسی در هم‌نشینی آنها و بیان مفهوم نمادین هر یک را بررسی کرده است (رضایی زنوز و هاشم‌پور، ۱۳۹۷). کاتب (۲۰۱۸) نیز به ایجاد عرصه معنوی و نمادین ارسی در کنار جنبه زیبایی آن اشاره داشته است.

مقاله «ارزیابی تعاملی انسان-مصنوع در ارسی‌های دست‌ساز خانه‌های تاریخی بابل» از اندک نمونه‌هایی است که با نگاهی جامع‌تر، بررسی سه وجه کارکردی، فرمی (زیبایی‌شناسی نقوش) و نمادین (محتوای مفهوم‌دار در نقش‌مایه‌های انسانی، حیوانی، گیاهی، هندسی و ادعیه) را در نمونه‌های موردی به انجام رسانیده اما این اثر می‌توانست زیرمجموعه‌های دیگری نیز در کار داشته باشد (عموئیان و بلخاری‌قهی، ۱۳۹۸).

بررسی مطالعات پیشین در گستره پژوهش یادشده، بیانگر این امر است که ارسی به‌عنوان عنصری شاخص در معماری سنتی همواره مورد توجه پژوهشگران بوده، اما غالب این نگاه‌ها بر ابعاد فیزیکی اثر در خصوص شناسایی مواد، تکنیک‌های ساخت و جوانب کاربردی در ارتباط با اقلیم منطقه تمرکز داشته‌اند. شکل‌گیری اندیشه فلسفی در شناخت ارسی و تلاش بر دستیابی به مفاهیم پنهان آن، زوایای دیگری از ویژگی‌های اثر را آشکار می‌سازد که در این رابطه نیز در کنار نگاه گذرا به عوامل فرهنگی، بیشتر تأکید بر نقوش تزئینی ارسی بوده است.

هم‌چنین، بررسی‌ها حاکی از فقدان تجمیع ارزش‌های میراثی ارسی و علل وجودی آنها توسط پژوهشگران داخلی و خارجی است. هرچند این پژوهش‌ها به‌طور پراکنده به ذکر برخی ویژگی‌های صوری و باطنی ارسی به شکل موردی پرداخته‌اند، اما تاکنون تحقیقی نظام‌مند در راستای تبیین و طبقه‌بندی ارزش‌های ارسی انجام نشده است. بنابراین، نوشتار حاضر با نگاهی متفاوت، در پی دستیابی جامع به ارزش‌های ملموس و ناملموس این عنصر منحصربه‌فرد معماری سنتی ایران، جهت بازنمایی ویژگی‌های اثر و تلاش در حفظ زمینه‌های مختلف ارزشی آن صورت پذیرفته است.

مبانی نظری پژوهش

۱- طبقه‌بندی ارزش در آثار تاریخی و فرهنگی:

تاکنون دسته‌بندی‌های متفاوتی از ارزش‌های میراث فرهنگی ارائه شده است. مبانی نظری حفاظت و مرمت، اولین هدف یک طرح حفاظتی را شناخت ارزش‌های میراثی آن دانسته است. نکته قابل توجه این که، «تعریف ارزش از یک جامعه به جامعه‌ای دیگر متغیر است» (حجت، ۱۳۸۰: ۲۵)؛ چرا که عوامل متعددی در شکل‌گیری آن تأثیرگذارند. تعدد ارزش‌ها، نمایانگر تنوع فرهنگ است. آنچه افراد مختلف به آن اهمیت داده و برای آن ارزش قائل هستند، یکسان نیست بلکه طبق توضیحات سند نارا^۱ ناشی از فرهنگی است که با آن زندگی می‌کنند (ICOMOS, 1994).

در آغاز، ارزش آثار تاریخی به قدمت معطوف بود ولی در ادامه با گسترش گزینه‌های ارزشی، مسائل فرهنگی، ملی و مذهبی را نیز شامل شد (نژاد ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۲: ۸۰). وجود ارزش به‌عنوان پیش‌شرطی برای انجام اقدامات حفاظتی به اثبات رسیده ولی نکته قابل‌بحث این که، هر کس به فراخور دانسته‌های خویش، طبقه‌بندی‌ای برای آنها ارائه نموده است. چنانچه از مهم‌ترین انگیزه‌های نگهداری آثار در هزاره‌های پیش از میلاد، توجه به ارزش‌های کاربردی و اعتقادی بوده است (سامانیان و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۳).

در رویارویی با آثار ارزشمند در قرون وسطی، آنچه مورد توجه قرار می‌گرفت، حفظ ارزش‌های مذهبی بود (Koller, 2000: 5-9)؛ چرا که فلسفه غالب در این دوران، خدامحوری تعریف شده است. در عصر رنسانس، آثار قدیمی باب روز شدند و کهنگی، میزانی برای سنجش ارزشمندی گردید (Starn, 2002: 88). در عهد عتیق آنچه به آثار تاریخی ارزش می‌داد، کهنسالی، یکتایی، کمیابی، مهارت‌های باستانی، کارکرد و زیبایی‌شناختی بوده (Lowenthal, 1985: 57) که این امر، شالوده‌هایی برای شکل‌گیری حفاظت دربرداشته است. در سده ۱۸ و ۱۹ م با دیدگاه‌های متفاوت برخاسته پس از رنسانس، ارزش‌هایی نوین در حفاظت و مرمت آشکار شد.

در دوران انقلاب صنعتی و سده ۱۸ م با نگاه علمی به آثار تاریخی، ارزش‌گواه‌مندی مورد توجه قرار گرفت (Jokilehto, 2002: 194). در سده ۲۰ و ۲۱ م دیدگاه‌ها به مفهوم ارزش دگرگون شد که این امر، برپایی گردهمایی‌های جهانی را در پی داشت. جدول شماره ۱ به ارزش‌های یادشده در این نشست‌ها اشاره دارد. هم‌چنین، مطالعه ارزش در آثار تاریخی به بیان دیدگاه‌های گوناگون اندیشمندان حوزه حفاظت و مرمت انجامید (جدول ۲) که نشان‌دهنده به رسمیت شناختن جایگاه ارزش است.

جدول ۱- ارزش‌های یادشده در کنوانسیون‌های جهانی (نگارندگان، ۱۴۰۱)

ارزش‌های یادشده	کنوانسیون‌های جهانی
تاریخی، زیبایی‌شناختی، علمی، هنری (Athens Charter, 1931)	منشور آتن
تاریخی، زیبایی‌شناختی، علمی، باستان‌شناسانه، مردم‌شناسی (ICOMOS, 1964)	منشور ونیز ^۱
تاریخی، زیبایی‌شناسانه، علمی، قوم‌شناسانه، انسان‌شناسانه، اجتماعی (UNESCO, 1972)	نوشتار حمایت از میراث فرهنگی و طبیعی جهان
هنری، تاریخی (ICOMOS, 1981)	نشست فلورانس ^۲
اصالت، تنوع فرهنگی، اجتماعی، میراثی، کاربردی، سنتی (ICOMOS, 1994)	سند نارا
زیباشناختی، معنوی، تاریخی، علمی، اجتماعی (ICOMOS, 1999)	منشور بیورا ^۱

1. Venice charter
2. Florance charter

تبیین و تحلیل ارزش‌های ارسی در معماری...، میرفخرایی و سامانیان | ۲۰۷

اجتماعی، معنوی، تاریخی، هنری، زیبایی‌شناختی، طبیعی، علمی، فرهنگی (ICOMOS, 2005)	بیانیه شیان ^۲
آموزشی، علمی، هنری، فرهنگی، کاربردی، طبیعی، اجتماعی، میراثی (UNESCO, 2008)	پیمان‌نامه میراث جهانی
فرهنگی، آموزشی، اقتصادی، سندیت، تفریحی، زیبایی‌شناختی (English Heritage, 2008)	بیانیه میراث انگلستان
ارزش‌های ناملموس: اجتماعی، علمی و معنوی یا نبوغ خلاقانه بشری (ICOMOS, 2017)	سند مادرید-دهلی‌نو

جدول ۲- ارزش‌های میراث فرهنگی با اتکا به دیدگاه اندیشمندان این حوزه (نگارندگان، ۱۴۰۱ با

استناد به: سامانیان و همکاران، ۱۳۹۶؛ قلعه‌نویی و همکاران، ۱۳۹۷؛ سامه و باباخانی، ۱۴۰۱)

ارزش‌های شناسایی شده در میراث فرهنگی	اندیشمندان
ملی (Jokilehto, 2002)	کلمن
آموزشی (Ibid)	دوکنسی
زیباشناسانه، هنری و تاریخی (برندی، ۱۳۸۸)	برندی
احساسی (Ruskin, 1903)	راسکین
ارزش‌های یادبودی: دیرینگی، تاریخی، یادبودی آگاهانه؛ ارزش‌های کنونی: کاربردی، تازگی (Riegle, 1982)	ریگل
ارزش اقتصادی: کاربردی، غیرکاربردی؛ ارزش‌های اجتماعی فرهنگی: زیباشناختی، معنوی، اجتماعی، تاریخی، نمادین، مطلوبیت مکانی (Throsby, 2000)	تروسی
مالی، انتخابی، میراثی، شأن اجتماعی، آموزشی (Frey, 2002)	فری
ارزش‌های اجتماعی-فرهنگی: تاریخی، فرهنگی-نمادین، اجتماعی، روحانی-مذهبی، زیبایی‌شناسی؛ ارزش‌های اقتصادی: کاربردی، غیرکاربردی، میراثی (Mason, 2002)	ماسون
ارزش اقتصادی: کاربردی، غیرکاربردی؛ ارزش اجتماعی-فرهنگی: زیباشناختی، معنوی، اجتماعی، تاریخی، نمادین (Rojas, 2002)	روچاس
ارزش‌های فرهنگی: هویت، فنی یا نسبی هنری، نادر بودن؛ ارزش‌های اجتماعی اقتصادی معاصر: اقتصادی، کارکردی، آموزشی، اجتماعی، سیاسی (فیلدن و یوکیلتو، ۱۳۸۲)	فیلدن و یوکیلتو

1. Burra charter
2. Xi'an declaration

فیلدن	ارزش‌های عاطفی: شگفتی، معنوی، نمادین؛ ارزش‌های فرهنگی-تربیتی: استنادی، تاریخی، باستان‌شناختی، قدمت، کمیابی، زیباشناختی، معمارانه، منظری، بوم‌شناختی، علمی، تکنولوژی؛ ارزش‌های کاربردی: عملکردی، اقتصادی، اجتماعی، قومی، سیاسی (Feilden, 2003)
ویناس	علمی، اجتماعی، شخصی، میراثی، نمادین، تاریخی، اقتصادی، هنری، کاربردی، غیرعینی، جهانی (Munoz-Vinas, 2005)
ارباسلی	قدمت و دیرینگی، هیجانی، یادمانی، نمادین، آموزشی، پژوهشی، فنی، دینی و اعتقادی، اقتصادی، سیاسی، معمارانه، ندرت (Orbasli, 2008)
ولز	ارزش‌های موضوعی: تاریخی، اطلاعاتی، هنری، یگانگی؛ ارزش‌های تجربی: قدمت، تازگی؛ ارزش‌های اجتماعی-فرهنگی: نمادین، فنی، آموزشی، مذهبی، هویتی، فرهنگی، کاربردی (Wells, 2010)
حجت	ارزش‌های احساسی: زیباشناختی، نمادین، روحانی و اعجاب‌انگیز؛ ارزش‌های تاریخی: تداوم فرهنگی، هویت، قدمت، ندرت، معمارانه؛ ارزش‌های علمی: اسنادی، باستان‌شناختی (حجت، ۱۳۸۰)
محمدی	اصالت، قدمت، منحصربه‌فرد بودن، رویداد مردم‌شناختی، زیبایی‌شناسی (محمدی و همکاران، ۱۳۹۲)
نژاد ابراهیمی	ارزش کاربردی: آموزشی، گردشگری، اقتصادی، فنی ساختاری، تاریخی، هنری؛ ارزش معنوی: سیاسی، اجتماعی، عاطفی، فرهنگی (نژاد ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۲)
حناچی و پورسراجیان	ارزش‌های تاریخی؛ ارزش‌های فرهنگی: اعتقادی، ناشی از قدمت، تداوم خاطرات جمعی؛ ارزش‌های روز: اقتصادی، تجاری، عملکردی (حناچی و پورسراجیان، ۱۳۹۴)
حناچی	ارزش‌های تاریخی اسنادی: قدمت، ندرت؛ ارزش‌های کاربردی: کاربردی، آموزشی، علمی، گردشگری، اقتصادی؛ ارزش‌های فرهنگی اجتماعی: تنوع فرهنگی، هنری، فنی، مذهبی اعتقادی (حناچی و همکاران، ۱۳۹۶)
سامه و باباخانی	ارزش‌های ذاتی: محیطی، اجتماعی، فرهنگی، تاریخی، هنری؛ ارزش‌های منتسب یا عرضی: عاطفی و احساسی، علمی، کاربردی (سامه و باباخانی، ۱۴۰۱)

با توجه به مطالعات مختلف در خصوص اولویت‌گذاری ارزش‌ها، دلیل تنوع دسته‌بندی‌ها را می‌توان گسترده‌نگری نگرش‌ها به مفهوم ارزش دانست. با این دیدگاه و در راستای فعالیت‌هایی که از سده ۲۰ م، برای طبقه‌بندی ارزش‌های مرتبط با میراث فرهنگی

آغاز گردید، بر اساس بند دوم منشور ایکوموس نیوزیلند^۱، می‌توان همه آنها را در دو گروه عمده «ارزش‌های ملموس و ناملموس» جای داد (ICOMOS, 2010).

۱-۱- شناخت ارزش‌های ملموس و ناملموس آثار تاریخی و فرهنگی:

برخورد با اثر میراثی همچون سندی صرفاً تاریخی، نشانگر امتناع از قبول سایر ویژگی‌های آن است. با شناخت دیگر زوایای ارزشی یک اثر تاریخی، می‌توان به درک عمیق‌تری از آن دست‌یافت. امروزه بررسی آثار از زوایای گوناگون مورد توجه واقع شده است. در این راستا، بسیاری از بیانیه‌ها بر ضرورت حفاظت از ارزش‌های ناملموس به جهت تکمیل شناخت معنایی اثر در کنار ارزش‌های ملموس آن تأکید ورزیده‌اند (ICOMOS, 1996).

ارزش‌های ملموس به محسوسات و آنچه با موازین علمی و کمی قابل اندازه‌گیری هستند، اشاره دارند و ارزش‌های ناملموس شامل مظاهر غیرمادی فرهنگ، مفاهیم، سلیقه‌ها و عقاید بوده و نشان‌دهنده بسیاری از سنت‌ها، آداب و رسوم و باورهای جامعه‌اند. با جمع‌بندی آنچه از بیان انواع ارزش در آثار تاریخی در مباحث پیشین اتفاق افتاد، معرفی ارزش‌های ملموس و ناملموس در جدول شماره ۳ آمده است.

جدول ۳- ارزش‌های ملموس و ناملموس آثار تاریخی و فرهنگی (نگارندگان، ۱۴۰۱)

ارزش‌های ملموس آثار تاریخی و فرهنگی	ارزش‌های ناملموس آثار تاریخی و فرهنگی
<ul style="list-style-type: none">زیباشناختی (زیبایی‌شناختی، زیبایی‌شناسانه)اجتماعیفرهنگیهویتی (هویت گروهی، تداوم خاطرات جمعی)اعتقادیاحساسی (حسی، عاطفی، شخصی)	<ul style="list-style-type: none">تاریخینسبی هنری (فنی، فنی ساختاری)اجتماعی اقتصادی معاصر (روز)اقتصادی (تجاری)کارکردی (عملکردی، کاربردی)علمی-آموزشی

<ul style="list-style-type: none"> • ملی • سیاسی • بوم‌شناختی (قومی، مردم‌شناسی) • یادبودی • اعتقادی • نمادین 	<ul style="list-style-type: none"> • قدمت (دیرینگی، کهنسالی، کهنگی) • منحصربه‌فرد بودن (یکتایی، یگانگی) • نادر بودن (ندر، کمیابی) • میراثی
---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

۲- بررسی ارزش‌های میراثی ارسی:

از میان آثار باقیمانده از گذشته، معمولاً به چیزهایی توجه می‌شود که مهم تلقی شده‌اند؛ لذا برای تعیین این که چه چیز بااهمیت است، باید به ارزش‌ها مراجعه کرد (Feilden, 2003: 6). امروزه بحث وجود یا عدم وجود ارزش در آثار تاریخی مطرح نیست؛ چرا که تقریباً همگان پذیرفته‌اند که این آثار واجد ارزش‌های میراثی هستند. بنابراین، ضرورت بررسی ارزش‌های یک اثر تاریخی از این باب نیست که نیازمند اثبات هستند؛ بلکه هدف، معرفی و سنجش ارزش در این آثار است (نژاد ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۲: ۸۰). جهت ارزیابی و احصاء ارزش‌ها، با توجه به اعتباری بودن آنها و تغییر بر اساس تفاوت شرایط فرهنگی، رجوع به قابلیت‌های آثار توصیه شده است^۱ (سامه و باباخانی، ۱۴۰۱: ۷۲). ممکن است منابع میراث فرهنگی با ارزش‌های مختلفی پیوند داشته باشند که این امر به درون‌مایه آنها بستگی دارد (فیلدن و یوکیلتو، ۱۳۸۲: ۱۷).

از جمله روش‌های شناخت ارزش‌ها می‌توان مشاوره با مردم محلی، مطالعات اسنادی، تحقیقات شفاهی، بررسی‌های میدانی و مستندنگاری آثار را ذکر نمود (ICOMOS, 2010). با توجه به دوران تاریخی بهره‌گیری از ارسی، افرادی که مستقیماً این امور را تجربه کرده‌اند، دیگر در دسترس نیستند؛ بنابراین مبنای اصلی بررسی ارزش‌های ارسی در

۱- برای مثال بر اساس سند نارا، تمام قضاوت‌ها در مورد ارزش‌های نسبت داده شده به میراث فرهنگی و هم‌چنین درستی منابع اطلاعاتی، ممکن است از یک فرهنگ به فرهنگ دیگر و حتی در درون یک فرهنگ متفاوت باشد (ICOMOS, 1994).

این پژوهش در کنار بررسی‌های میدانی و پرسش‌های مطرح شده از افراد آگاه در این حوزه، مطالعه و تحلیل منابعی بوده که پیش‌ازاین به بررسی ارسی پرداخته‌اند. جهت استحصال ارزش‌های میراثی ارسی، پس از مطالعه انواع ارزش و ارائه دسته‌بندی متناسب با اثر^۱ که بررسی ارزش‌های آن را در مقیاس مختلف و از زوایای گوناگون ممکن می‌سازد، با تطبیق داده‌های حاصله با قابلیت‌های وجودی ارسی، تبیین ارزش‌های ملموس و ناملموس اثر صورت می‌پذیرد؛ اگرچه در برخی موارد، تدقیق مرز بین آنها بسیار دشوار است.

۲-۱- ارزش‌های ملموس ارسی:

۲-۱-۱- ارزش تاریخی

ارزش تاریخی، بیانگر مسیر تحول و توسعه آفرینش‌گری بشر در حوزه‌ای ویژه بوده (ریگل، ۱۳۹۵: ۱۳۱) و دارای رویکرد مفهومی: کیفیت ایده، طرح و اجرا؛ و رویکرد کالبدی: اصالت مصالح و طرح، رابطه با بستر طبیعی، فیزیکی و مهارت‌ها می‌باشد (عباس زاده و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۳۱) که برای حفظ آنها، مناسب است تا حد امکان، اثر به‌عنوان سندی دست‌نخورده، برای پژوهش‌های آتی محفوظ بماند. در خصوص بررسی ارزش‌های تاریخی ارسی، نکاتی چون ارزیابی ایده شکل‌گیری اثر، محل قرارگیری، مواد مورد استفاده، نحوه اجرا و مهارت‌های لازم در فرایند ساخت اثر قابل توجه هستند. از مهم‌ترین شاخصه‌های غنای ایده نهفته در اثر، پیروی هوشمندانه از سنت است که به‌طور ذاتی، نشان‌دهنده تداوم نیازها و تجلی یک فرهنگ است (رحیم زاده و نجفی، ۱۳۸۹: ۲۵۴). این ویژگی، از زوایای مختلف در ارسی به‌عنوان اثری چندبعدی که توأمان به نیازهای مادی و معنوی انسان عصر خویش پرداخته، دیده می‌شود.

۱- به دلیل مشاهده تنوع در ارائه دسته‌بندی ارزش‌های میراثی توسط صاحب‌نظران و پژوهشگران این حوزه و تأکید بر برخی ارزش‌ها در قیاس با دیگر نمونه‌ها، می‌توان گفت که هر یک از طبقه‌بندی‌های صورت گرفته با توجه به بستر مطالعاتی موردنظر بوده است.

۲-۱-۲- ارزش نسبی هنری

با بیان این‌که ارزش‌های نسبی هنری، حاصل پژوهش‌هایی هستند که اهل فن، برای نشان دادن اهمیت نسبی اثر در زمانه خود با سایر دوره‌ها انجام می‌دهند (فیلدن و یوکیلتو، ۱۳۸۲: ۲۲)، می‌توان این امر را در بررسی ارسی در ادوار مختلف و یا ارسی شهرهای گوناگون موردسنجش قرار داد. به‌عنوان مثال، اصولاً ساختار ارسی متناسب با پیمون بنا در نظر گرفته می‌شده و نسبت طول به عرض آن در بیشتر مصادیق، مقداری ثابت بوده است ولی در نمونه‌هایی از اواخر عصر قاجار که اوایل دوره تحول بازشوها شناخته می‌شود، به دلیل تفاوت‌های اقلیمی، ابعاد انسانی و نوع تفکیک زمین‌ها، در این تناسب‌ها تغییراتی ایجاد شده است (خامه‌چیان و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۶ و ۱۸). هم‌چنین بررسی طرح و نقش، رنگ شیشه‌ها و تکنیک‌های ساخت ارسی‌های اوایل تا اواخر دوره قاجار، نشان از کاهش تدریجی ظرافت نقش و استفاده کمتر از شیشه‌های رنگی در ارسی‌های تبریز (مدهوشیان نژاد و عسکری‌الموتی، ۱۳۹۵: ۸۳) و سیر نزولی کیفیت ساخت و تزیینات ارسی‌های اردبیل (بلالی اسکویی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۳۱) دارد.

۲-۱-۳- ارزش اقتصادی

اصولاً ارزش اقتصادی اثر میراثی، با انجام اقدامات حفاظتی و مدیریت مطلوب، ارتباط مستقیم دارد و موجب رونق گردشگری و بهره‌برداری اقتصادی می‌گردد (فیلدن و یوکیلتو، ۱۳۸۲: ۲۲). این ارزش‌ها به تناسب شرایط، تعریف و به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم موجب بازدهی مالی اثر می‌شوند (رحیم زاده و نجفی، ۱۳۸۹: ۲۶۲). نگهداری و معرفی شایسته گونه‌های مختلف ارسی به لحاظ طرح، نقش، شیوه ساخت و سایر ویژگی‌های آن می‌تواند محققین، گردشگران و علاقه‌مندان به فضای معماری سنتی ایران را به خود جذب نماید.

۲-۱-۴- ارزش کارکردی

هر اثر تاریخی، در آغاز مصنوعی انسانی به‌منظور پاسخ‌گویی به یک نیاز بوده است. گذشت زمان، با ایجاد شرایط متفاوت به طرق مختلف، عملکرد اولیه آن را دستخوش

تغییر می‌سازد. ارزش کارکردی مستلزم تداوم نوع اولیه کارکرد یا بهره‌گیری سازگار از یک اثر است. در این راستا، می‌توان کارکردهای اصلی زیر را در زمان بهره‌گیری از ارسی در دوره خود، بازشمرد:

- ارتباط فضای بیرون و درون: اغلب، جدایی فضای داخل و خارج به وسیله یک دیوار به وجود می‌آید. انسان، توأمان به فضای بیرون و درون و امکان حرکت بین این دو فضا نیازمند است. نوع این ارتباط، بیش از هر چیز تابع روزه‌های فضای داخلی است. هر چه گشودگی‌ها فراخ‌تر باشند، ارتباط درون و بیرون قوی‌تر است (گروتر، ۱۳۸۸: ۱۶۳). ارسی نیز همچون اغلب بازشوها، ارتباط فضای داخل و خارج را سبب می‌گشت ولی از آنجایی که عموماً یک جبهه از فضاهای نیم‌بسته، توسط ردیفی از ارسی‌ها با فضای باز مرتبط می‌شد، گشودن ارسی‌ها در مواقع مناسب و به میزان نیاز، می‌توانست ارتباط نسبتاً گسترده‌ای بین فضای بسته و باز ایجاد نماید. (تصویر ۱)

- جداسازی فضا: ارسی‌ها در فضای بین دو اتاق بزرگ چسبیده به هم نیز قرار داده می‌شدند، بنابراین، به‌عنوان جداره‌ای مناسب بین دو یا چند اتاق مورد استفاده قرار می‌گرفتند و هنگام جلسات یا مهمانی‌ها، با بالا کشیدن آنها یک اتاق بزرگ پیوسته شکل می‌گرفت (امرایی، ۱۳۸۳: ۹۲). با استفاده از ارسی، برحسب مورد می‌توانستند فضاها را از هم جدا نموده و جداسازی دائم آنها از میان می‌رفته است. (تصویر ۲)

- کاربرد شیشه‌های رنگین: رنگ‌های متفاوت شیشه‌های ارسی، موجب تابش نورهای عبوری رنگی در فضای داخلی می‌شدند که هر یک، تأثیرات فیزیکی و روان‌شناختی مجزایی داشتند^۱ اما قرارگیری طیف رنگ‌های مختلف در کنار هم، شدت تأثیر آنها را خنثی کرده و فضایی متعادل به وجود می‌آورد (وحدت طلب و نیکم‌رام، ۱۳۹۶: ۸۹). با توجه به تحقیق زارعی ممکن است موقعیت ارسی‌ها در هر ضلع ساختمان بر

۱- امروزه فیزیولوژیست‌ها، اثرات مختلف نور و رنگ را به وسیله دستگاه‌های مجهز، بر روی مغز، چشم و کالبدشناسی مورد مطالعه قرار داده و مباحثی مانند تأثیر رنگ‌های مختلف بر روی چشم و واکنش بینایی نسبت به آنها در زمینه کاری ایشان قرار دارد. هم‌چنین، اثر تشعشعات رنگی بر مغز و روح انسان، نمادشناسی رنگ و اثرات ذهنی آن از مسائل مهم روان‌شناختی بشمار می‌رود (سید صدر، ۱۳۸۰: ۱۶۲).

ترکیب رنگی آنها مؤثر بوده و غالباً در اضلاع جنوبی از شیشه‌هایی با رنگ سرد و در اضلاع شمالی از رنگ‌های گرم استفاده می‌شده است (زارعی، ۱۳۹۲: ۱۱۵). از این رو می‌توان گفت، رنگ‌های سرد در تابستان‌نشین و رنگ‌های گرم در زمستان‌نشین کاربرد بیشتری داشته‌اند.^۱

یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار در انتخاب شیشه‌های رنگی، توجه به اقلیم بوده است. به‌طور مثال در قزوین که در قیاس با شهرهای مرکزی و کویری، نیاز بیشتری به نور خورشید برای تأمین آسایش ساکنین وجود داشته، جهت عبور نور بیشتر، درصد بالاتر شیشه‌های بی‌رنگ و زرد قابل مشاهده است (گرگی‌مهلبنی و مفرد بوشهری، ۱۳۹۵: ۲۳۴). هم‌چنین، شیشه‌های رنگی به دلیل مسدود کردن بخشی از طول‌موج‌های مرئی، در کاهش طول‌موج‌های مخرب نور تأثیرگذارند (حق‌شناس و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۱). نورهای رنگارنگ، دافع حشرات موذی نیز بوده‌اند. این خاصیت، موجب حفظ قالی‌های دست‌بافت و جلوگیری از هجوم حشرات به پشم می‌شده است (شفیع‌پور، ۱۳۸۵: ۱۶۸).

- تعدیل نور و دما: هر چه فضا روشن‌تر باشد، محیط دلپذیرتری احساس می‌شود اما گذشتن مقدار نور از حدی معین، می‌تواند نامطلوب باشد (گروتز، ۱۳۸۸: ۴۵۸). با این که ارسی‌ها برای استفاده حداکثر از نور طبیعی، سطح وسیعی از دیوار را در برمی‌گرفتند اما به دلیل داشتن شبکه‌های ریز و شیشه‌های رنگی، مانع نفوذ مستقیم نور و گرمای زیاد می‌شدند (پیرنیا، ۱۳۸۴: ۱۰۲). هم‌چنین، تفاوت در نوع نقوش ارسی، استراتژی سازندگان جهت تنظیم میزان نور و آسایش بصری ساکنین بوده است (Hosseini, 2020: 218). بهره‌گیری از ارسی یکی از روش‌های مؤثر در تعدیل دما و آسایش حرارتی با ایجاد تهویه طبیعی از طریق جریان سیال هوا در فضای درونی نیز بوده که با تغییر در میزان گشودگی ارسی و شدت جریان هوا حاصل می‌شده است (عطروش و فیاض، ۱۳۹۴: ۲۰).

۱- رنگ‌های سرد و گرم از طریق فعل‌وانفعال فیزیولوژی با عبور از چشم و مغز و سیستم عصبی، بر موجودات تأثیرات حرارتی می‌گذارند. در واقع، رنگ‌های گرم مانند داروی محرک، باعث تسریع و شدت جریان خون در بدن شده و رنگ‌های سرد، جریان خون را کند می‌کنند (ایتن، ۱۳۸۳: ۴۵).

تبیین و تحلیل ارزش‌های ارسی در معماری...، میرفخرایی و سامانیان | ۲۱۵

- خواص صوتی: در ارسی، زوایای مختلف یک گره^۱، تأثیرات آکوستیک^۲ در فضا ایجاد می‌نموده است. انعکاس صدا و بازفکنی صوت در مکان‌هایی با سقف‌های بلند، موجب پدید آمدن قدرت انتقال و برد مؤثر بر آن خواهد بود. این مشکل در معماری سنتی، به‌واسطه شکستگی‌های فرمی گره‌چینی‌ها، با پراکندگی امواج صوتی رفع شده و طنین فضا را می‌کاهد (شفیع‌پور، ۱۳۸۵: ۱۷۷).

زاین‌رو می‌توان از راندمان عملکردی ارسی در حوزه انرژی و زیست‌محیطی در تأمین نور، گرمایش، سرمایش، تهویه و آسایش صوتی ساکنین نام برد.



عکس ۱- ارتباط میان فضای درون و بیرون توسط ارسی، عمارت شیخ‌الاسلام، سنندج، قاجار (URL2)

۱- گره، مجموعه‌ای از اشکال مختلف هندسی نمادین است که به‌طور هماهنگ و با نظمی خاص در زمینه‌ای مشخص در کنار هم به کار رفته است (سامانیان، ۱۳۸۱: ۷).

۲- acoustic، آکوستیک علم مربوط به امواج صوتی و کنترل صداست. رفتار آکوستیکی به این معناست که فضای موردنظر تا چه حد، سبب تشدید یا تضعیف امواج صوتی می‌شود (شفایی و همکاران، ۱۴۰۱: ۷۴).



عکس ۲- تغییر ابعاد فضا توسط ارسی، سرای عضدالملک، تهران، قاجار (URL2)

۲-۱-۵- ارزش علمی-آموزشی

شیوه آموزش سنتی ساخت ارسی در گذشته که کمتر مدرسی و به صورت سینه‌به‌سینه از استاد به شاگرد اتفاق می‌افتاده، کمبود منابع مکتوب در این خصوص را موجب شده است.^۱ از آنجایی که ارزش علمی-آموزشی هر منبع میراثی، از امکانات بالقوه آن برای گردشگری فرهنگی و ارتقای آگاهی نسبت به فرهنگ و تاریخ نشأت می‌گیرد (فیلدن و یوکیلتو، ۱۳۸۲: ۲۲)، اطلاعاتی همچون چرایی و مهارت‌های ویژه ساخت ارسی می‌تواند تلاش برای حفظ این هنر را در پی داشته باشد. نکته دیگر این که در گذشته، نظام آموزشی

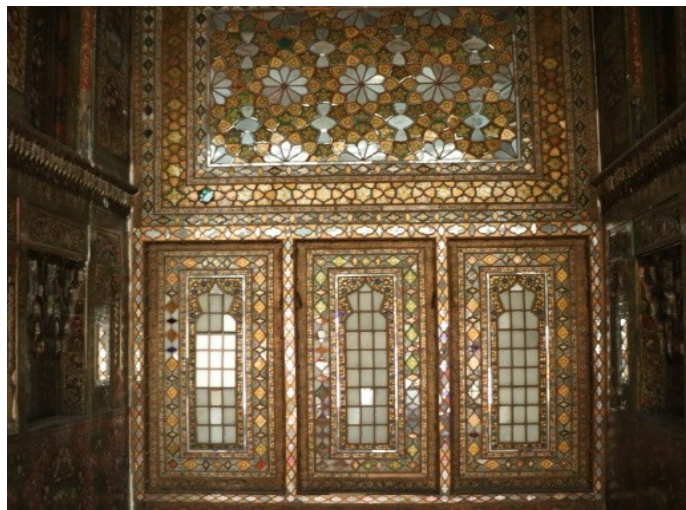
۱- رساله «فی مداخل الشکال المتشابهه اوالمتوافقه» یا طومار میرزا اکبر، اثر معمار برجسته دوره قاجار ملقب به مهندس الدوله، حاوی نقشه‌ها و طرح‌هایی در خصوص دانش هندسه در معماری می‌باشد که تصاویری مربوط به نقوش هندسی پنجره‌های مشبک و ارسی‌ها نیز در آن به چشم می‌خورد (نجیب‌اوغلو، ۱۳۷۹: ۲۷). شایان ذکر است که این طومارها برای معماران بسیار مهم بوده و به‌طور سری نگهداری می‌شده و برای همگان قابل دسترس نبوده‌اند.

هنرهای سنتی دربردارنده مجموعه‌ای از تعالیم اخلاقی، معنوی و اجتماعی بوده که در آن، استاد تنها به آموزش تکنیک بسنده نمی‌کرده، بلکه سعی در آموزش همه‌جانبه شاگرد داشته است (سیفی و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۴ و ۳۶). امروزه در هنرهای ایرانی، کمتر می‌توان چنین نظامی را جست؛ بنابراین استخراج مؤلفه‌های چنین نظام آموزشی بالنده‌ای، جهت احیای ارزش‌های فراموش شده هنرهای سنتی از قبیل ارسی‌سازی ضروری می‌نماید.

۲-۱-۶- ارزش منحصربه‌فرد بودن

هر اثر تاریخی از این حیث که بر اساس ویژگی‌های مکانی و زمانی خاصی شکل گرفته و در طول زمان، متناسب با این متغیرها دگرگونی‌هایی به خود دیده، نسبت به دیگر آثار متفاوت است. هرچند در هر مجموعه، مشابهت‌هایی با الگوهای رایج زمان می‌توان مشاهده کرد، درعین حال، هر اثر ممکن است دارای ویژگی‌هایی باشد که آن را نسبت به آثار مشابه، متمایز کرده و ارزش منحصربه‌فرد بودن را به وجود می‌آورد (محمدی و همکاران، ۱۳۹۲: ۸۲). در ارسی نیز با وجود مشابهت‌های فراوان در تکنیک‌های ساخت، به دلیل نوع اقلیم، فضای مورد استفاده و درخواست سفارش‌دهندگان، آثار متفاوتی در ساختار، طرح و نقش به وجود آمده‌اند. در فرایند ساخت ارسی، بسته به پری یا کم‌کار بودن اثر از یک یا چند تکنیک متنوع^۱ استفاده می‌کردند (ساعدی، ۱۳۹۶: ۱۴). یکی از این موارد، تکنیک آینه‌کاری است که برای ایجاد ظرافت و پرکار جلوه دادن ارسی به کار می‌رفته است. (تصویر ۳)

۱- اغلب تکنیک‌های به‌کاررفته در ساخت ارسی‌ها شامل: درودگری، قواره‌بری، شیشه‌بری، فلزکوبی، آینه‌بری، گره‌چینی، کنده‌کاری، پارچه‌بری و نقاشی بوده که استفاده از برخی متداول‌تر و تعدادی جنبه سفارشی داشته‌اند (مدهوشیان نژاد و عسکری الموتی، ۱۳۹۵: ۸۲).



عکس ۳- ارزش منحصر بفرد بودن در طرح، تکنیک آینه‌کاری و نقاشی بر ارسی، عمارت قوام‌الدوله، تهران، قاجار (نگارندگان، ۱۴۰۱)

۲-۱-۷- ارزش قدمت

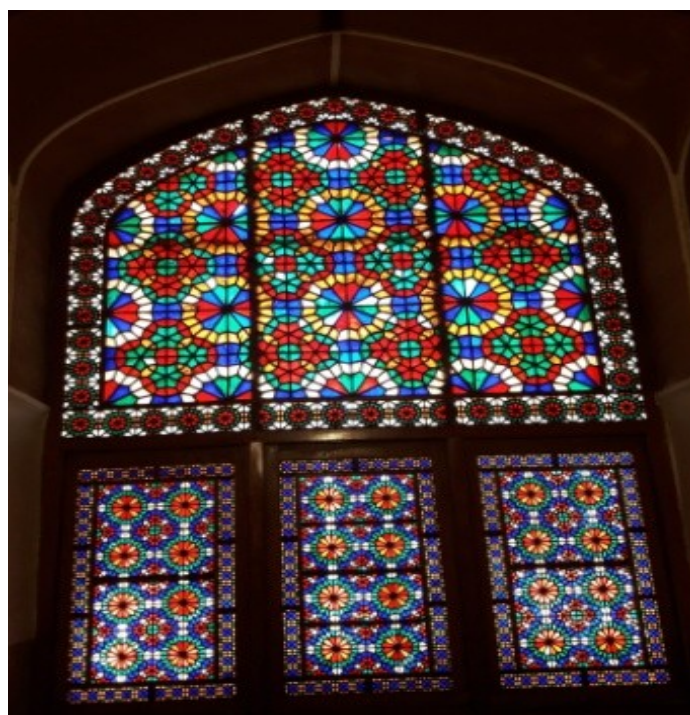
قدمت، در اثری وجود دارد که متعلق به زمانه ما نبوده و از زمان شکل‌گیری‌اش تاکنون سال‌های متمادی گذشته باشد. این موضوع، به نسبتی که از انسان امروزی فاصله می‌گیرد و دسترسی کمتری به آن وجود دارد، ارزش‌گذاری می‌شود. ذهنیتی که بدین گونه از اثر تاریخی به دست می‌آید، قبلاً در آن نبوده و با گذر زمان بر آن افزوده گشته است (محمدی و همکاران، ۱۳۹۲: ۸۲). این ارزش، به‌طور شاخص در ارسی به‌عنوان عنصری متعلق به معماری گذشته، قابل مشاهده است.

۲-۲- ارزش‌های ناملموس ارسی:

۲-۲-۱- ارزش زیباشناختی

جلوه‌های ادراکی اثر تاریخی که از طریق عناصر شکل‌دهنده و چگونگی نمود آن در محیط قابل دست‌یابی هستند، اثر را دارای ارزش‌های زیبایی‌شناسی می‌کنند (محمدی

و همکاران، ۱۳۹۲: ۸۲). از شاخص‌ترین جلوه‌های ارسی، نقش تزئینی آن به‌عنوان عامل ایجاد زیبایی در بنا است. بیشترین مباحث زیبایی‌شناسی هنر، به مسئله نظم به معنای ایجاد تناسب، تقارن و تعادل در ترکیب‌بندی اشاره دارد. بر این اساس، عواملی مانند تناسب و تقارن در کنار رنگ و نور در ارسی موجب زیبایی هستند. (تصویر ۴) هم‌چنین، ایجاد ریتم یا ضرباهنگ که «از استمرار بصری یا احساس جنبش موزون حاصل از تکرار منظم یک یا چند عنصر» (پاکباز، ۱۳۷۹: ۲۷۹) حاصل می‌شود، در مبحث زیبایی‌شناسی ارسی، به‌خصوص نقوش هندسی آن قابل مشاهده است. (تصویر ۵) کاربرد نقوش انتزاعی گیاهی و اسلیمی‌ها نیز به جهت استفاده از خطوط منحنی^۱ و ریتم، بیانگر نوعی ارزش زیباشناسانه در ارسی‌ها است که با هماهنگی و تناسب اجزای موجود به نهایت کمال می‌رسد.



عکس ۴- زیباشناسی نور و رنگ و نقش در ارسی، باغ دولت‌آباد، یزد، زندیه (نگارندگان، ۱۴۰۱)

۱- خط منحنی، نمایانگر پویایی، حرکت و آرامش‌دهنده است و کارکرد آن در هنرهای ایرانی به فراوانی به چشم می‌خورد (آقاخانی و منتظری رودبارکی، ۱۳۸۶: ۳۴).



عکس ۵- ایجاد ریتم در نقوش هندسی ارسی، باغ دولت‌آباد، یزد، زندیه (نگارندگان، ۱۴۰۱)

۲-۲-۲- ارزش اجتماعی

نقد جامعه‌شناسانه، این امکان را فراهم می‌آورد که رابطه آثار هنری با جامعه معاصرشان کشف گردد. شماری از جامعه‌شناسان معتقدند که سلیقه افراد می‌تواند آشکارکننده پایگاه اجتماعی آنها باشد و برخی مقولات ارزشی جامعه را به نمایش بگذارد (زولبرگ، ۱۳۹۲: ۱۹۳-۱۸۶). استفاده از ارسی در معماری نیز بر صحت این نکته تأکید می‌ورزد؛ چرا که بهره‌گیری از آن، ثمره جنبی منزلت اجتماعی اشخاصی است که در سرایی فاخر می‌زیستند. در گذشته، جز ملاکان و حاکمان، کمتر کسی می‌توانسته از این نوع پنجره در سرای خود داشته باشد^۱ (امرای، ۱۳۸۳: ۴۱). جیمز بیلی فریزر^۲ نیز که در عصر فتحعلی شاه قاجار به ایران سفر کرده بود، در توصیف یک خانه اعیانی ایرانی از شکوه ارسی‌های آن سخن گفته است.^۳ چنان‌که بررسی‌ها نشان می‌دهند، هر چه مالکان بنا،

۱- گاهی نیز ارسی به دستور حاکم وقت، در عمارت، مسجد یا حسینیه‌ای ساخته می‌شده است (امرای، ۱۳۸۳: ۴۲).

2. James Baillie Fraser (1783-1856)

۳- «خلوتگاه او غرفه‌ای از بهشت بود اما هر کس اگر پنجره‌ها را ببیند، زبان به تحسین زیبایی آنها می‌گشاید. آنها دارای شیشه‌های رنگی است که به قطعات کوچک بریده و آنها را به زیباترین اشکال پهلوی هم چیده و مرتب کرده‌اند... پنجره‌های رنگین، قالی‌ها، بالش‌های گرانبهای ابریشمی آکنده از پر با رویه‌های لطیف ململ، تو را از فرط لذت سرمست می‌کرد و جثه تنومند خان در لباس راحت خانگی با آن توده اشیای تجملی که در میان آنها نشسته، خوب به هم می‌آمدند» (فریزر، ۱۳۶۴: ۱۵۵ و ۱۵۶).

تبیین و تحلیل ارزش‌های ارسی در معماری...، میرفخرایی و سامانیان | ۲۲۱

صاحب قدرت اجتماعی و مالی بالاتری بوده‌اند، ارسی‌های ملک ایشان، دارای وسعت و جزئیات تزئینی ارزشمندتری بوده است (تصاویر ۶ و ۷) که این نکته به‌وضوح در سفرنامه شاردن^۱ به میان آمده است.^۲ از این رو می‌توان گفت معماری و عناصر وابسته به آن همچون ارسی، توصیفی فیزیکی از عوامل اجتماعی است.



عکس ۶- نمای بیرونی ارسی نه‌لنگه فاخر کاخ گلستان تهران، قاجار (نگارندگان، ۱۴۰۱)

1. Jean Chardin (1643-1713)

۲- «پنجره‌های اتاق‌های عامه مردم از چوب چنار ساخته‌شده، اما پنجره‌های خانه اعیان و بزرگان عبارت از درهای مشبکی است که در هر شبکه‌اش، شیشه کوچک رنگینی که از اجتماع آنها نقش زیبایی پدید می‌آید، تعبیه شده است» (شاردن، ۱۳۹۳: ۸۷۷-۸۷۵).



عکس ۷- نمای داخلی ارسی نه‌لنگه فاخر کاخ گلستان تهران، قاجار (نگارندگان، ۱۴۰۱)

۲-۲-۳- ارزش فرهنگی

برای جستجو در ارزش‌های اشیای تاریخی، باید فرهنگ جامعه هدف مورد توجه قرار گیرد. «ارزش‌های فرهنگی ملازم با منابع میراث و رابطه آنها با مخاطبان، ضرورتاً ذهنی‌اند یعنی به تعبیری وابسته‌اند که روح زمانه را منعکس می‌کنند» (فیلدن و یوکیلتو، ۱۳۸۲: ۲۱). وظیفه اصلی فرهنگ، نمایش ایده‌های ذهنی جامعه، به‌وسیله نمود اشکال عینی است. در فرایند این استحاله، معماری و آرایه‌های آن نقشی اساسی دارند (گروتر، ۱۳۸۸: ۵۳ و ۵۴). در معماری سنتی ایران، وضوح حاکمیت فرهنگی به‌خوبی قابل مشاهده بوده و در آن، کیفیات بنا از نیازهای فرهنگی جامعه تأثیر پذیرفته است.

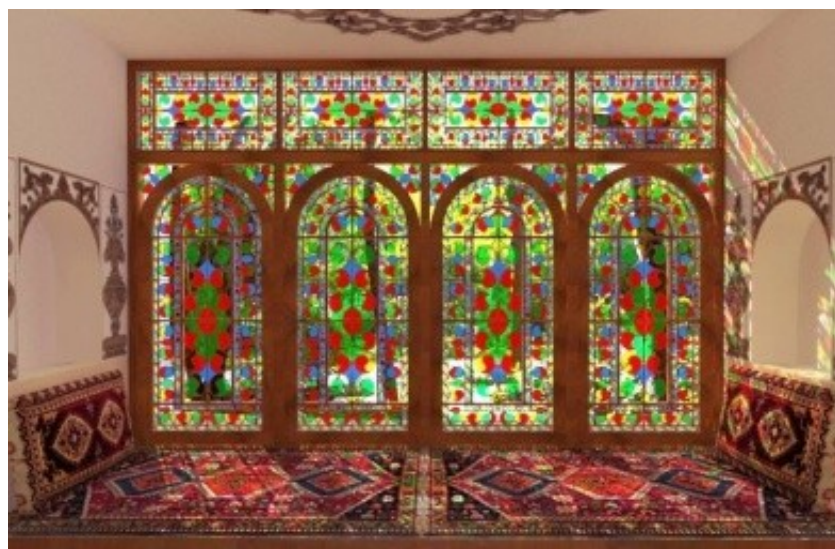
یکی از این موارد، حفظ حریم و محرمیت فضا است. ارسی ضمن در معرض دید قرار دادن فضای خارج، به دلیل ساختار مشبک و شیشه‌های رنگی باعث محدودیت دید از بیرون به درون و حفظ حریم شخصی کاربران می‌شد (زارعی، ۱۳۹۲: ۱۱۵). همین ویژگی موجب شد که از آن در فضاهایی که مجالس خاص یا مردانه برگزار می‌شد، استفاده شود. بنابراین اگرچه برای بانوان، شرکت در برخی مراسم ممنوعیت‌هایی داشت، لیکن مجاز به مشاهده بودند، بدون آن‌که دیده شوند (شفیع‌پور، ۱۳۸۵: ۱۷۷). از این‌رو می‌توان ارسی را

تبیین و تحلیل ارزش‌های ارسی در معماری...، میرفخرایی و سامانیان | ۲۲۳

جلوه‌ای از فرهنگ و آداب‌ورسوم عرفی دانست که بدون خدشه‌دار کردن زیبایی‌های بصری خود، محرمیت فضا را حفظ می‌نموده است. (تصاویر ۸ و ۹).



عکس ۸- حفظ محرمیت فضا توسط ارسی، دید از بیرون (URL1)



عکس ۹- حفظ محرمیت فضا توسط ارسی، دید از داخل (URL1)

۲-۲-۴- ارزش اعتقادی

هنر، سهمی ویژه در انتقال ارزش‌های جامعه به عهده دارد. ناپسند دانستن استفاده از صور انسانی و حیوانی در دیدگاه اسلامی موجب شد که تقلید از طبیعت دارای جایگاهی والا نباشد و هنرمندان مسلمان از نقوش هندسی و انتزاعی بیشترین بهره را ببرند (وزیری، ۱۳۴۰: ۱۸۵). از هندسه برای طراحی انواع نورگیرها استفاده می‌شد اما بهترین کاربرد آن را می‌توان در ارسی یافت. این نقوش هندسی بی‌نهایت گسترش‌پذیر، اهمیتی بیش از نقش تزئینی داشته و نمادی از بیان مفاهیم بنیادین وحدت در کثرت^۱ و مرکز‌گرایی^۲ هستند. نقوش انتزاعی گیاهی همچون اسلیمی و بته‌جقه نیز در میان تزئینات ارسی به چشم می‌خورند. بته‌جقه برگرفته از سرو خمیده و در میان ایرانیان باستان، نماد تقدس و آزادگی بشمار می‌رفته است (علیپور، ۱۳۹۰: ۱۸). (تصویر ۱۰)

ایرانیان، برای نور نقشی قدسی قائل‌اند و آن را واسطه میان عالم مادی و معنا می‌دانند؛ از این رو به اشکال متنوع از آن استفاده می‌کنند. از آنجایی که نورپردازی از عوامل شکل‌دهی فضای داخلی است، ارسی به‌گونه‌ای طراحی شده که فضای درون را با نوری تأثیرگذار روشن ساخته و با بهره‌گیری از فرم‌های خاص، وسیله‌ای برای تأکید بر مفاهیم نمادین باشد. (تصویر ۱۱)

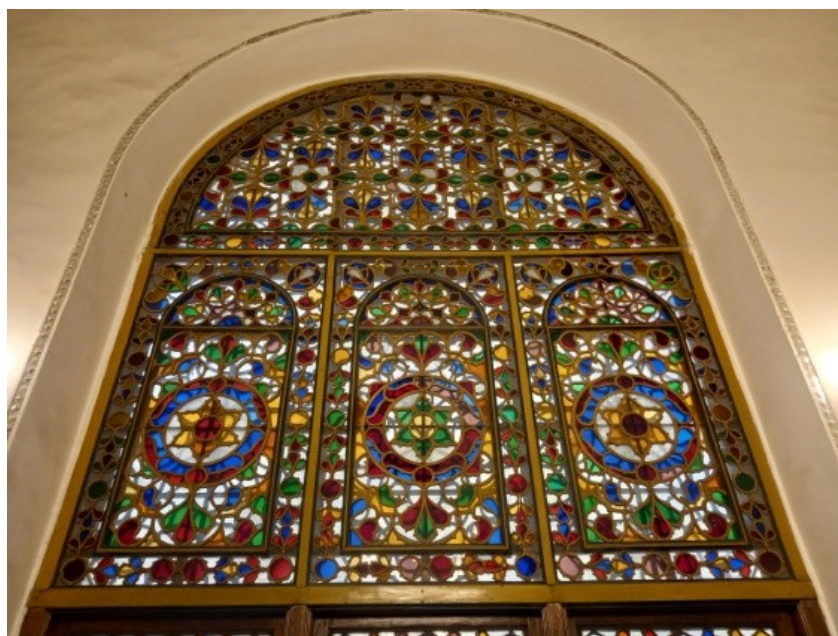
در عرفان اسلامی، به‌ویژه دیدگاه ابن عربی^۳، حق به نوری بی‌رنگ تشبیه شده و خلق به آبگینه‌ای رنگین و ظهور حق در صور موجودات، برحسب مقتضای طبیعت آنها است. بدین ترتیب، اصل تجلی که در عرفان اسلامی با نمادهایی چون نور تصویر می‌گردد، در

۱- اشاره به این معنا که کثرت پایان‌ناپذیر خلقت، فیض وجود است که از احد صادر می‌شود (نصر، ۱۳۶۶: ۱۴۳).

۲- این مرکز، مفهوم فیزیکی صرف نیست بلکه به نوع نگرش دینی و عرفانی حاکم بر جامعه اشاره داشته و سرچشمه‌ای توحیدی دارد. با وجود مراکز متعدد در گره‌ها، یک مرکز اصلی اهمیت حیاتی پیدا می‌کند؛ بدان معنا که بودونبود مابقی مرکزها به همان مرکز اصلی بستگی دارد که اگر از بین برود، هویت مخدوش و تشتت‌آمیزی در مجموعه به‌وجود می‌آید (مکی نژاد، ۱۳۹۳: ۱۰۲).

۳- ابن عربی (۵۶۰-۶۳۸) معروف به شیخ اکبر، اندیشمند، عارف و صوفی بزرگ جهان اسلام

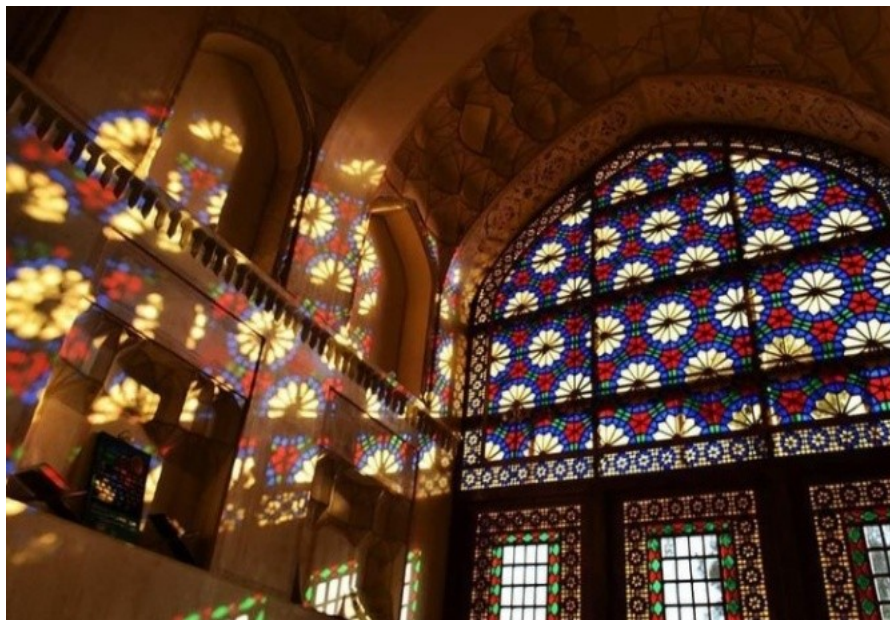
معماری برخاسته از این بینش نیز می‌تواند با بهره‌گیری از عناصری چون ارسی که نمایشی از تابش نور واحد از بیرون و شکل‌گیری نور متکثر در درون است، تجسمی از نسبت میان حق و خلق باشد (پور محمد و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۵۴). هم‌چنین، تغییر ماهیت نور سفید هنگام عبور از شیشه‌های رنگین به دلیل تکثر آنها، می‌تواند کثرت موجود در عالم را نشان دهد (محمدی‌حسن آبادی، ۱۳۹۳: ۸۲) و بیانگر تجلی حس وحدت در کثرت و کثرت در وحدت باشد.^۱



عکس ۱۰- نقوش انتزاعی گیاهی، عمارت الماس، کاخ گلستان، تهران، قاجار

(نگارندگان، ۱۴۰۱)

۱- این مفهوم را متفکرانی چون ابن عربی که رنگ‌های گوناگون را به‌عنوان تمثیلی از کثرت وجود دانسته و برخاستن رنگ‌ها از نور واحد و بی‌رنگ را به‌عنوان مثالی برای پیدایش کثرت از منبع واحد به‌کاربرده، نیز تأیید کرده‌اند (پورمحمد و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۵۵).



عکس ۱۱- ایجاد فضای معنوی با بازتاب نور از شیشه‌های رنگی ارسی، عمارت هفت‌تان، شیراز، زندیه (نگارندگان، ۱۴۰۱)

۲-۲-۵- ارزش احساسی

آثار تاریخی به سبب قدمت و تداوم تاریخیشان در نظر انسان محبوب جلوه می‌کنند. از سر گذراندن سالیان دراز، ماندگاری و حضور در بطن وقایع بسیار و تجدید ناپذیر و دربرداشتن مجموعه‌ای از پیام‌های پیدا و نهان از نسل‌های گذشته، عواملی هستند که به برانگیختن احساسات مخاطب در اولین برخورد با اثر تاریخی می‌انجامد (رحیم‌زاده و نجفی، ۱۳۸۹: ۲۵۷). تداوم ارسی نیز موجب برقراری ارتباط میان گذشته، حال و آینده و به تبع آن، پیوند دوران زودگذر حیات انسان با جریان مداوم و ازلی هستی دارد. از سویی دیگر، مواجهه با آن درکی شهودی به همراه دارد و بخشی از ارزش‌های اثر را به گونه‌ای ناخودآگاه به مخاطب عرضه کرده و تعمق در آن، اعجاب و تحسین بیشتری را موجب می‌شود.

۲-۲-۶- ارزش نمادین

نماد، وسیله‌ای است برای عینیت بخشیدن صوری به یک محتوای ذهنی (گروتر، ۱۳۸۸: ۵۱۰) که با نمایش غیرمستقیم یک مفهوم، امکان تأمل بر آن را فراهم می‌آورد و هر فرد با توجه به ماهیت توانایی‌های عقلانی خود، به فهم حقیقت دست می‌یابد (Guenon, 1995: 13-14). هر سامانه نمادگرایی، منعکس‌کننده منطق فرهنگی خاص است که با آشکار شدن قواعد درونی آن فرهنگ، درک این مفاهیم حاصل می‌شود. با بیان این نکته، ارتباط میان آثار تاریخی، سازنده آنها و عوامل مختلف محیطی را می‌توان به‌عنوان گزینه‌هایی در چگونگی شکل‌گیری نمادها جستجو کرد. هنر ایران همواره بازمودی از پندارها و متأثر از حوادث گوناگون بوده است. این امر در ردیابی ارزش‌های نمادین ارسی نیز صادق است و ارزش‌های اجتماعی، فرهنگی و اعتقادی که پیش‌ازین مورد بررسی قرار گرفت، در این گروه جای می‌گیرند.

بیان یک محتوای نمادین در معماری می‌تواند به اشکال گوناگون صورت پذیرد. نگرش مفهوم‌گرای هنرمندان به ورای ظاهر واقعیات جهان پیرامون خود و طبیعت، در ساختار ارسی با استفاده از نقوش نمادین هندسی، گیاهی و ویژگی‌های بصری هر یک و هم‌چنین، بهره‌گیری از ماهیت نور و رنگ، فراتر از شکل مادی و صوری آنها جلوه یافته است. در اینجا عناصر موجود، بیش از آن که برای بیان جنبه‌های زیباشناختی به کار رفته باشند، حامل پیامی نمادین هستند. در ارسی از نمادهایی برای انتقال معنی استفاده شده که توسط آنها، رؤیای تداوم فضایی بی‌کران در اندازه‌ای کوچک‌تر، در بستر معماری امکان‌پذیر گشته و در قالب عناصر معماری، عالمی صغیر از جهانی معنوی بازآفرینی شده است.

نتیجه‌گیری

ارزش، مفهومی بنیادین و موجد معنا در کالبد میراث است. در بررسی ارزش‌های آثار تاریخی، توجه به هر دو بعد ظاهری و معنایی اهمیتی ویژه دارد. بُعد ظاهری، ارزش‌های

ملموس و بُعد معنایی، ارزش‌های ناملموس را دربردارد. امروزه گسترش مفهوم ارزش، شناخت ارزش‌های متعدد و ارزشمند دانستن تمامی جنبه‌های یک اثر تاریخی را در پی داشته است. با این رویکرد می‌توان گفت، ارسی که برخاسته از بینش فرهنگی و دانش بومی معماری ایران بوده، در کنار داشتن کارکردهایی جهت پاسخگویی به نیازهای جسمی کاربران، از طریق انتقال برخی مفاهیم، بازتاب اندیشه‌های یک اجتماع است. از این رو، با ایجاد طبقه‌بندی متفاوتی از انواع ارزش‌های میراثی و کاوش در ابعاد گوناگون ارسی جهت استحصال گستره ارزشی آن، چنین برمی‌آید که ارسی ضمن داشتن ارزش‌های ملموسی چون ارزش تاریخی، نسبی هنری، اقتصادی، کارکردی، علمی آموزشی، منحصربه‌فرد بودن و قدمت؛ دربردارنده معانی نمادین حاصل از محیط خلق اثر و نشان از فرهنگی است که بر جامعه آن دوران حکم فرما بوده است. این مفاهیم در ارسی از طریق واسطه‌های ساختاری به منصفه ظهور رسیده و ارزش‌های ناملموسی چون ارزش زیباشناختی، اجتماعی، فرهنگی، اعتقادی، احساسی و نمادین را ایجاد می‌نمایند. بنابراین، خلق آثاری چون ارسی با ویژگی‌هایی که از ناخودآگاه خلاق انسان و محیط او برمی‌خیزد، توانسته است کاربردی کاملاً متناسب با زندگی فردی، اجتماعی و فرهنگی دوران خود داشته باشد.

شناخت ارزش به‌مثابه عاملی برای حفظ تداوم اصالت در فرایند حفاظت و مرمت و ابزاری ارزشمند جهت بازنمایی شاخصه‌های اثر تاریخی بوده و موجب پویایی ویژگی‌های مستتر آن می‌شود. ضرورت احصاء زمینه‌های مختلف ارزشی ارسی، تغییر در استراتژی‌های مدیریت و حفاظت اثر و ایجاد رویکرد جامع و یکپارچه را موجب شده و با جلوگیری از رویکردهای صرفاً عملکردی، ممانعت از حذف مبانی ایدئولوژیک و الگوهای فکری پنهان اثر را در مسیر انتقال به آیندگان در پی خواهد داشت.

تعارض منافع:

تعارض منافع ندارم

منابع

- امرایی، مهدی. (۱۳۸۳)، ارسی پنجره‌های رو به نور، تهران: سمت، چاپ اول.
- ایتن، یوهانس. (۱۳۸۳)، عناصر رنگ، ترجمه: بهروز ژاله دوست، تهران: عفاف، چاپ پنجم.
- آقاخانی، حمید و منتظری رودبارکی، احمد. (۱۳۸۶)، مبانی هنرهای تجسمی، تهران: دانشگاه پیام نور، چاپ اول.
- برندی، چزاره. (۱۳۸۸)، تئوری مرمت، ترجمه: پیروز حناچی، تهران: دانشگاه تهران، چاپ دوم.
- بلالی اسکویی، آرزیتا؛ یونسی، میلاد و افشاریان، زهرا. (۱۳۹۹)، «واکاوی کمی و کیفی ارسی در خانه‌های قاجار اردبیل»، نگره، سال پانزدهم، شماره ۵۴: ۱۴۵-۱۳۱.
- پاکباز، رویین. (۱۳۷۹)، دائره‌المعارف هنر، تهران: فرهنگ معاصر، چاپ دوم.
- پور محمد، سها؛ مختاباد امرئی، مصطفی و فرح، حبیب. (۱۳۹۹)، «تطبیق مبانی تجلی وحدت و نموده‌های رنگین بازشوهای سنتی»، اندیشه معماری، سال چهارم، شماره ۸: ۲۶۵-۲۵۲.
- پیرنیا، محمد کریم و معماریان، غلام‌حسین. (۱۳۸۴)، سبک‌شناسی معماری ایرانی، تهران: سروش دانش، چاپ اول.
- حجت، مهدی. (۱۳۸۰)، میراث فرهنگی در ایران، سیاست‌ها برای یک کشور اسلامی، تهران: میراث فرهنگی، چاپ اول.
- حق‌شناس، محمد؛ بمانیان، محمدرضا و قیابکلو، زهرا. (۱۳۹۵)، «تحلیل معیارهای تابش عبوری از مجموعه شیشه‌های رنگی ارسی‌های دوره صفوی»، علوم و فن‌آوری رنگ، سال دهم، شماره ۱: ۶۴-۵۵.
- حناچی، پیروز و پورسراجیان، محمود. (۱۳۹۴)، احیای بافت شهری تاریخی، تهران: دانشگاه تهران، چاپ دوم.
- حناچی، پیروز؛ ملازاده، فاطمه و فدایی نژاد بهرام‌مجردی، سمیه. (۱۳۹۶)، «توسعه چارچوب مفهومی مدیریت ارزش مینا در مکان‌های فرهنگی تاریخی»، نقش جهان، سال هفتم، شماره ۳: ۱۴-۱.
- خامه‌چیان، اسما؛ آزاد، مصطفی و طاهباز، منصوره. (۱۳۹۷)، «تحلیل هندسی و تناسبات پنجره‌های ارسی، هفت ارسی خانه‌های کاشان»، هنرهای صناعی ایران، سال اول، شماره ۲: ۲۳-۵.

- رحیم زاده، محمدرضا و نجفی، مهنام. (۱۳۸۹)، «جایگاه درک ارزش‌های ماهوی اثر تاریخی در روند احیای آن»، مجموعه مقالات همایش ملی شناخت و معرفی مزیت‌ها و ظرفیت‌های احیا و بهره‌برداری از اماکن تاریخی، تهران: صندوق احیا و بهره‌برداری از اماکن تاریخی و فرهنگی.

- رضایی زنوز، شعله و هاشم‌پور، پریرسا. (۱۳۹۷)، «حکمت رنگ‌های به‌کاررفته در ارسی بناهای سنتی ایران»، کنفرانس بین‌المللی عمران، معماری و مدیریت توسعه شهری در ایران، تهران. - ریگل، آلويس. (۱۳۹۵)، «کیش نوین آثار یادمانی: جوهر و بالندگی آن»، جستارهای تاریخی و فلسفی در حفاظت از میراث فرهنگی، به کوشش رسول وطن‌دوست، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.

- زارعی، محمدابراهیم. (۱۳۹۲)، «سندج شهر ارسی، بررسی روند شکل‌گیری و گسترش هنر ارسی‌سازی بر اساس نمونه‌های موجود»، مطالعات معماری ایران، سال دوم، شماره ۴: ۱۳۰-۱۰۹. - زولبرگ، ورا. (۱۳۹۲)، نظریه‌های فلسفی و جامعه‌شناختی در هنر، ترجمه: علی رامین، تهران: نی، چاپ دوم.

- ساعدی، فرشته. (۱۳۹۶)، «بررسی تکنیک ساخت آینه‌کاری در تزیینات ارسی‌سازی با توجه به بازانگاری فضای معماری»، پژوهش در هنر و علوم انسانی، سال دوم، شماره ۵: ۲۱-۱۱. - سامانیان، صمد. (۱۳۸۱)، هندسه نقوش اسلامی، تهران: شقایق روستا، چاپ سوم.

- سامانیان، صمد؛ حجت، مهدی و محتشم، عادل. (۱۳۹۶)، «واکاوی تاریخی و انتظام زمانمند ارزش‌ها در حفاظت و مرمت آثار تاریخی فرهنگی با استناد به آرای اندیشمندان و اسناد جهانی»، تاریخ و فرهنگ، سال چهل و نهم، شماره ۹۸: ۳۶-۹.

- سامه، رضا و باباخانی، ملیحه. (۱۴۰۱)، «مفهوم ارزش و مبانی سنجش آن در بافت‌های روستایی»، باغ نظر، سال نوزدهم، شماره ۱۱۶: ۸۴-۷۱.

- سید صدر، ابوالقاسم. (۱۳۸۰)، معماری، رنگ و انسان، تهران: آثار اندیشه، چاپ اول. - سیفی، ندا؛ بلخاری‌قهی، حسن و محمد زاده، مهدی. (۱۳۹۶)، «تأملی در رابطه استاد و شاگردی و در آموزش هنرها با تأکید بر نظام سنتی»، نگره، سال دوازدهم، شماره ۴۲: ۴۵-۳۳. - شاردن، ژان. (۱۳۹۳)، سفرنامه شاردن، ترجمه: اقبال یغمایی، تهران: توس، چاپ دوم.

- شفائی، بیتا؛ غفاری، عباس و میرغلامی، مرتضی. (۱۴۰۱)، «تبیین نقش عوامل کالبدی در پایداری آکوستیکی بازار تبریز»، معماری و شهرسازی پایدار، سال یازدهم، شماره ۲: ۷۳-۹۴.
- شفیعی‌پور، آسیه. (۱۳۸۵). «ارسی در معماری سنتی ایران»، فصلنامه هنر، شماره ۶۸: ۱۸۳-۱۶۴.
- شیروانی، مریم؛ احمدی، حسین و وطن‌دوست، رسول. (۱۳۹۵)، «بازشناسی ارزش و عوامل تأثیرگذار در دگرگونی دیدگاه‌های ارزشی در حفاظت از میراث فرهنگی در قرن حاضر»، هنرهای زیبا، سال بیست و یکم، شماره ۴: ۳۹-۵۰.
- عباس زاده، مظفر؛ محمدمرادی، اصغر؛ امیرکیبیریان، آتش‌سا؛ آیشم، معصومه و سلطان احمدی، الناز. (۱۳۹۷)، «ارائه مدل ارزش‌مبنا به جهت کاربست ارزش‌های میراث‌معماری در اتخاذ شیوه‌های حفاظت»، مرمت و معماری ایران، سال هشتم، شماره ۱۶: ۱۴۲-۱۲۵.
- عطروش، علی و فیاض، ریما. (۱۳۹۴)، «تأثیر ارسی‌ها بر جریان هوا در فضای داخلی»، معماری و شهرسازی ایران، شماره ۹: ۱۹-۲۶.
- علیپور، نیلوفر. (۱۳۹۰)، «مطالعه طرح ارسی‌های کاخ‌های قاجاری تهران»، نگره، سال ششم، شماره ۱۸: ۵-۲۱.
- عمویان، فروغ و بلخاری‌قهی، حسن. (۱۳۹۸)، «ارزیابی تعاملی انسان-مصنوع در ارسی‌های دست‌ساز خانه‌های تاریخی بابل»، هنرهای حوزه کاسپین، سال اول، شماره ۱: ۲۸-۱۱.
- فریزر، جیمز بیلی. (۱۳۶۴)، سفرنامه فریزر معروف به سفر زمستانی، ترجمه: منوچهر امیری، تهران: توس، چاپ اول.
- فیلدن، برنارد و یوکیلتو، یوکا. (۱۳۸۲)، «ارزش‌گذاری به‌منظور حفاظت»، ترجمه: بهرام معلمی، هفت شهر، سال چهارم، شماره ۱۲ و ۱۳: ۱۷-۲۵.
- قلعه‌نویی، محمود؛ پیربابایی، محمدتقی؛ سلطان احمدی، الناز و محسن حقیقی، نسرین. (۱۳۹۷)، «بررسی اولویت‌بندی ارزش‌های میراث معماری و شهرسازی مجموعه میدان نقش جهان»، مرمت و معماری ایران، سال هشتم، شماره ۱۶: ۳۹-۵۰.
- کهن‌ترابی، مصطفی؛ غزنوی، محمدرضا؛ روح‌نیا، مهران؛ تاج‌دینی، آرژنگ و کاظمی‌نجفی، سعید. (۱۳۹۰)، «بررسی تأثیر نوع اتصال بر خواص آکوستیک چوب‌های اتصال‌دار»، علوم و فنون منابع طبیعی، سال ششم، شماره ۴: ۱۱۷-۱۲۸.

- گرجی مهلبانی، یوسف و مفرد بوشهری، علی اصغر. (۱۳۹۵)، «ارسی، راهکاری برای کنترل نور روز»، معماری و شهرسازی ایران، سال هفتم، شماره ۱۲: ۲۳۶-۲۲۵.
- گروتز، یورگ کورت. (۱۳۸۸)، زیبایی‌شناسی در معماری، ترجمه: جهان‌شاه پاکزاد و عبدالرضا همایون، تهران: شهید بهشتی، چاپ پنجم.
- محمدی، محسن؛ محمدی، محمد و خواجه پور، منصور. (۱۳۹۲)، «بازشناسی و حفاظت ارزش‌های موجود در اثر تاریخی قبه‌سبز کرمان»، مطالعات شهر ایرانی اسلامی، سال سوم، شماره ۱۲: ۷۹-۸۸.
- محمدی حسن‌آبادی، فیروزه و شاملی، نصراله. (۱۳۹۳)، «رویکرد نشانه‌شناختی به مفهوم رنگ و کاربست آن در قرآن کریم»، پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن، سال سوم، شماره ۱: ۹۲-۷۷.
- مدهوشیان نژاد، محمد و عسکری‌الموتی، حجت‌الله. (۱۳۹۵)، «تمایزهای کیفی و کمی در سیر تحول ارسی‌های قاجاری تبریز»، هنرهای زیبا، سال بیست و یکم، شماره ۴: ۸۴-۷۷.
- مکی نژاد، مهدی. (۱۳۹۳)، «مرکزگرایی، تقارن و تکرار در هنرهای سنتی ایران»، کیمیای هنر، سال سوم، شماره ۱۰: ۱۰۸-۹۹.
- نجیب‌اوغلو، گل‌رو. (۱۳۷۹)، هندسه و تزیین در معماری اسلامی، ترجمه: مهرداد قیومی‌بیدهندی، تهران: روزنه، چاپ اول.
- نژاد ابراهیمی، احد؛ پور جعفر، محمدرضا؛ انصاری، مجتبی و حناچی، پیروز. (۱۳۹۲)، «ارزش و ارتباط آن با رویکرد مداخله در آثار فرهنگی-تاریخی»، مرمت و معماری ایران، سال سوم، شماره ۶: ۹۸-۷۹.
- وحدت طلب، مسعود و نیکم‌رام، امین. (۱۳۹۶)، «بررسی اهمیت، فراوانی و پراکنش رنگ قرمز در ارسی‌های خانه‌های تاریخی ایران»، هنرهای زیبا، سال بیست و دوم، شماره ۲: ۹۷-۸۷.
- وزیر، علینقی. (۱۳۴۰)، تاریخ عمومی هنرهای مصور، تهران: دانشگاه تهران، چاپ اول.
- Athens Charter. (1931). The Athens Charter for the Restoration of Historic Monuments. <https://www.icomos.org/en/167-the-athens-charter-for-the-restoration-of-historic-monuments>.
- English Heritage. (2008). *Conservation Principles, Policies and Guidance for the Sustainable Management of the Historic Environment*. London, English Heritage.

- Feilden, Bernard. (2003). *Conservation Historic Building*. Oxford-England: Architectural Press.
- Frey, Bruno S. (2002). "Arts and Economics". *Cultural Economics*, 26(1), 79-81.
- Guenon, Rene. (1995). *Fundamental Symbols*. Cambridge: The Universal Language of Sacred Science.
- Hosseini, Nazli. (2020). "The Role of Orosi's Islamic Geometric Patterns in the Building Facade Design for Improving Occupants' Daylight Performance". *Daylighting*, 7(2), 201-221.
- ICOMOS. (1981). Florence Charter. https://www.icomos.org/charters/gardens_e.pdf.
- ICOMOS. (1994). The NARA Document on Authenticity. <https://www.icomos.org/charters/nara-e.pdf>.
- ICOMOS. (1964). The Venice Charter. https://www.icomos.org/centre_documentation/bib/2012_charte%20de%20venise.pdf.
- ICOMOS. (1996). Declaration of San Antonio. <http://www.icomos.org/index.php/en/charters-and-texts>.
- ICOMOS. (1999). The Australia ICOMOS Charter for Places of Cultural Significance, Burra Charter. <http://australia.icomos.Org/publications/charters/>.
- ICOMOS. (2005). Xi'an Declaration on the Conservation of the Setting of Heritage Structures, Sites and Area. <http://www.icomos.org/index.php/en/charters-andtexts>.
- ICOMOS. (2010). ICOMOS New Zealand Charter for the Conservation of Places of Cultural Heritage Value. https://www.icomos.org/images/DOCUMENTS/Charters/ICOMOS_NZ_Charter_2010_FINAL_11_Oct_2010.pdf.
- ICOMOS. (2017). Madrid - New Delhi Document on Approaches to the Conservation of Twentieth - Century Cultural Heritage. https://openarchive.icomos.org/id/eprint/2683/1/MNDD_FARSI.pdf.
- Jokilehto, Jukka. (2002). *The History of Architectural Conservation*. Woburn: Butterworth-Heinemann.
- Kateb, Fatemeh. (2018). "Window in Iran Islamic Architecture with Emphasis on Role of Light". *History Culture and Art Research*: 7(1), 215-222.
- Koller, Manfred. (2000). "Surface cleaning & conservation". *Getty Newsletter*, 3(15), 5-9.
- Lowenthal, David. (1985). *The Past is a Foreign Country*. Cambridge: Cambridge University Press.

- Mason, Randall. (2002). *Assessing the Values of Cultural Heritage*. Los Angeles: the Getty Conservation Institute.
- Munoz-Vinas, Salvador. (2005). *Contemporary Theory of Conservation*. UK: Routledge.
- Orbasli, Aylin. (2003). *Architectural Conservation, Architectural Press*. United Kingdom: Blackwell Science Ltd Publishing.
- Riegl, Aloise. (1982). "The modern Cult of Monument: Its Charter and Its Origin". *Opposition: a Journal for Ideas and Criticism in Architecture*, 25(2), 21-56.
- Rojas, Eduardo. (2002). "Urban Heritage Conservation in Latin America and the Caribbean". in *Sustainable Development Department Technical Papers Series*. Felipe Herrera Library.
- Ruskin, John. (1903). "The Lamp of Memory". in *Historical and Philosophical Issues in the Conservation of Cultural Heritage*. Los Angeles: Getty conservation institute, 42-44.
- Starn, Randolph. (2002). *Three ages of patina in painting*. California: University of California press.
- Throsby, David. (2000). "Economic and cultural value in the work of creative artists". in *Values and Heritage Conservation*. Los Angeles: Getty conservation institute.
- UNESCO. (1972). Convention Concerning the Protection of the World Cultural & Natural Heritage. <https://whc.unesco.org/archive/convention-en.pdf>.
- UNESCO. (2008). Operational Guidelines for the Implementation of the World Heritage Convention. <http://whc.unesco.org/archive/opguide08-en.pdf>.
- Wells, Jeremy. (2010). *Historical Significance through the Lens of Contemporary Social, Cultural and Experiential Values*.
-<http://heritagestudies.org/files/Wells.pdf>
-URL1:www.3dwings.ir
-http://3dwing.ir/870-large_default/%D9%85%D8%C-3.jpg
-URL2:www.negarestandoc.ir

استناد به این مقاله: میرفخرایی، وحیده و سامانیان، صمد. (۱۴۰۱). تبیین و تحلیل ارزش‌های اُرسی در معماری سنتی ایران، دو فصلنامه دانش‌های بومی ایران، ۹(۱۸)، ۱۹۹-۲۳۲.



Indigenous Knowledge Iran Semiannual Journal is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.